

دکتر منوچهر خزانی



شوروشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی

بحثی پیرامون توقیف احتیاطی
یا قرار بازداشت متهم و آثار آن



پروفیسر شگاہ علوم انسانی و مطالعات فرہنگی
پرتال جامع علوم انسانی

پرتال جامع علوم انسانی
پرتال جامع علوم انسانی



● مقدمه

توقیف احتیاطی یا قرار بازداشت متهم، مهمترین تأمین جزایی است که قانون اعمال آن را تحت ضوابط و شرایطی در اختیار قضات کیفری قرار داده است. این نوع تأمین وسیله‌ای ضروری در رسیدگی به امر کیفری است، ولی افراط و استفاده بی رویه، خصوصاً بدون رعایت ضوابط قانونی از آن، اقدامی است مضر علیه منافع عمومی و آزادیهای فردی. بازداشت موقت به لحاظ اهمیت فوق العاده آن همیشه مورد بحث حقوقدانان و متخصصان در امر کیفری بوده و از دیرزمان قواعد و مقررات آن در آیین دادرسی کیفری تغییر و تحول یافته و امروزه کوشش بر این است که ضمن محدود کردن موارد اعمال و مدت قرار بازداشت، صدور آن را خصوصاً تحت شرایط و ضوابط معین و دقیق تری پیش بینی و با قبول اعتراض متهم و رسیدگی به آن در مرجع صلاحیت دار، حقوق دفاعی او به نحو مطلوب تضمین شود و خسارات ناشی از بازداشت‌های

نادرست و یا غیرقانونی و همچنین بازداشت‌هایی که در صدور آنها رعایت ضوابط قانونی شده اما تعقیب کیفری در نهایت به قرار منع تعقیب یا برائت متهم منتهی شده است، تأمین و جبران گردد.



مزایای قرار بازداشت موقت

بازداشت موقت بدون تردید مطمئن‌ترین وسیله‌ای است در اختیار قضات کیفری برای جلوگیری از اینکه متهم در طول تحقیقات مقدماتی و حتی ادامه آن در تحقیقات نهایی و بالاخره در مرحله قطعیت حکم و اجرای مجازات نتواند با فرار یا مخفی کردن خود موجبات اختلال در رسیدگی به جرم و تأخیر یا عدم موفقیت در اجرای حکم کیفری را فراهم سازد. کشف و تعقیب جرم و جمع‌آوری دلایل، و حسب لزوم مواجهه متهم با گواهان و شرکاء و معاونان جرم، با این اقدام بهتر و آسان‌تر انجام می‌پذیرد. بازداشت موقت اقدامی است مؤثر در جلوگیری از ارتکاب مجدد جرم خصوصاً توسط بزهکاران حرفه‌ای و وسیله‌ای است ضروری برای پیشگیری از اینکه متهم با آزادی و فراغت، آثار و دلایل جرم مثل اسناد و اوراق و آلات و ادوات مربوط به بزه ارتكابی را ضمن تبانی با شهود قضیه یا شرکاء و معاونان جرم - در صورتی که جرم به شرکت و معاونت وقوع یافته باشد - محو و نابود سازد. و سرانجام در مواردی که جرم ارتكابی از نوع جنایات هولناک و نفرت‌انگیز است و حفظ جان متهم در قبال انتقام خصوصی خانواده مجنی علیه و همچنین هیجان و خشم عمومی برای محاکمه و اجرای عدالت اهمیت دارد، قرار بازداشت موقت موجب سهولت در تحقق این مسأله ضروری خواهد شد.



معایب و مضار قرار بازداشت موقت

این تأمین که مهمترین و شدیدترین اقدام قاضی کیفری نسبت به آزادیهای فردی است که در مدت تحقیقات مقدماتی و گاهی تا پایان رسیدگی و صدور حکم در دادگاه ادامه می‌یابد، در واقع، اقدامی است مغایر با بیگناهی متهم یا اصل برائت^۱؛ اصل و قاعده‌ای که مورد قبول کلیه نظامهای حقوقی پیشرفته واقع شده است.^۲

به پیروی از این اصل است که ماده ۳۴۴ قانون آیین دادرسی کیفری مقرر می‌دارد:

«هرگاه نسبت به متهمی که توقیف است حکم برائت یا تعلیق مجازات صادر گردد، متهم فوری آزاد می‌شود هر چند که حکم مورد شکایت قرار گیرد.»

قرار بازداشت با اصل برائت سازگاری ندارد، زیرا متهم قبل از اثبات جرم و صدور حکم محکومیت از دادگاه زندانی می‌شود، در حالی که زندان اصولاً جایگاه افرادی است که ارتکاب بزه و مجرمیت آنها به موجب حکم قطعی دادگاه صلاحیت دار محرز شده است و باید کیفر قانونی را تحمل نمایند. این تأمین خصوصاً وقتی موجب نقض اصول و

1. la presumption d'innocence

۲. به موجب اصل سی و هفتم قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران «اصل برائت است و هیچ کس از نظر قانون مجرم شناخته نمی‌شود مگر اینکه جرم او در دادگاه صالح ثابت گردد». ماده ۱۱ اعلامیه جهانی حقوق بشر مقرر می‌دارد: «هر کس که به بزهکاری متهم شده باشد بیگناه محسوب خواهد شد تا وقتی که در جریان یک دعوی عمومی که در آن کلیه تضمینهای لازم برای دفاع او تأمین شده باشد، تقصیر او قانوناً محرز گردد».

قواعد یاد شده در بالا می‌گردد که در نهایت میزان مجازات مقرر در حکم دادگاه کمتر از مدتی باشد که متهم قبلاً در بازداشت بسر برده است و یا وقتی که تعقیب کیفری به صدور حکم برائت منتهی گردد در حالی که متهم مدتی به عنوان بازداشت موقت زندانی بوده است، که در هر صورت، مسلم می‌شود سلب آزادی او موجه نبوده و موجب ضرر و زیان مادی و معنوی کم و بیش خطیری شده است که جبران آن در تمام احوال به سهولت امکان پذیر نیست. از دست دادن حرفه و شغل و از هم گسیختگی خانواده متهم به علت بازداشت موقت او محتمل و گاه مقرون به یقین است. پر شدن زندانها از متهمان تحت قرار بازداشت موجب توسعه تأسیسات و افزایش پرسنل و سایر هزینه‌های مربوط خواهد شد که تأمین آن به عهده دولت است و در نتیجه جامعه از آن متضرر می‌گردد.



راه حل قانونگذار فرانسه در محدود کردن صدور قرار بازداشت موقت

آثار نامطلوب و مضر ناشی از بازداشت موقت پیوسته محرک حقوقدانان در مخالفت با این نوع تأمین و یا لا اقل در محدود کردن موارد آن و خصوصاً جلوگیری از استفاده بی رویه از قرار بازداشت بوده است. قانونگذاران نیز به پیروی از عقاید متخصصان در امر کیفری به منظور محدود کردن قضات به استفاده بموقع و در شرایط ضروری از این تأسیس و همچنین اجتناب از عواقب نامطلوب آن، قانون آیین دادرسی کیفری را در این زمینه با تحولات علمی هماهنگ و اصلاح نموده‌اند. قانون کیفری فرانسه نمونه بارزی از این سیر تحول است که بعضی کشورها نیز از

نوآوریهای آن اقتباس نموده‌اند.

در قانون تحقیقات جنایی مصوب ۱۸۱۰ فرانسه، مراجع رسیدگی به امر کیفری وقتی می‌توانستند متهم به ارتکاب جرم را آزاد کنند که مطلقاً سابقه کیفری نداشته و بزه انتسابی از درجه جنحه باشد و بعلاوه وثیقه‌ای هم به‌عنوان تأمین ارائه دهد. قانون ۱۴ ژوئیه ۱۸۶۵ آن کشور مقررات قبلی را چنین اصلاح نمود: اولاً آزادی موقت حقی است برای متهمانی که فاقد سوابق کیفری باشند و مجازات عمل ارتكابی در قانون کمتر از دو سال حبس تعیین شده و متهم نیز دارای اقامتگاه معینی باشد؛ ثانیاً متهم حق دارد در تمامی موارد تقاضای آزادی موقت کند و در صورت موافقت، قاضی مکلف نیست آزادی او را منوط به ابداع وثیقه نماید، و به هر حال، تصمیم قاضی تحقیق قابل اعتراض و پژوهش در دادگاه است. قانون آیین دادرسی کیفری فرانسه مصوب ۱۹۵۷ ضمن حفظ اصول قبلی در زمینه بازداشت، از دو نقطه نظر محدودیتهایی برای صدور این تأمین قائل شد. از یک طرف، به موجب ماده ۱۳۷ قانون یادشده اخیر، توقیف احتیاطی به صراحت یک اقدام استثنایی عنوان گردید، و از سوی دیگر، مدت توقیف احتیاطی محدود به چهار ماه شد که بازپرس می‌تواند به موجب قرار مخصوص و مستدل این مدت را برطبق شرایط مقرر در قانون تمدید نماید. معیناً قانون ۱۹۵۷ موارد استثنای مقید در ماده ۱۳۷ را تصریح و تشریح نکرده بود و لذا بازپرسان در متن قرار بازداشت، تکلیفی به استدلال و توجیه تصمیم استثنایی خود به صدور قرار بازداشت نداشتند و به نظر حقوقدانان آن کشور صفت استثنایی توقیف احتیاطی مربوط می‌شود به محدودیتهای دقیق عملکرد آن درقبال اصلی که به موجب آن «هیچ کس مجازات نمی‌شود مگر در صورت وجود دلایل و آن هم توسط مراجع صدور حکم». بنابراین نقش توقیف احتیاطی در تعقیب امر کیفری و لزوم اعمال آن محدود می‌گردد به اینکه جمع‌آوری و حفظ دلایل دچار مشکلات نشود و تحقیقات

به سهولت انجام پذیرد و در عین حال جامعه از خطر تبهکار درامان باشد و مجازات نیز بدون اجرا باقی نماند.

به این ترتیب، ضرورت برای انجام تحقیقات و ایجاد امنیت، دورکن تشکیلی دهنده این استثناء تلقی می شود، در حالی که بعضی قضات دادسرا تعبیر گسترده تری از مفهوم توقیف احتیاطی داشتند و برای آن یک نقش پیشگیری در مجازات آتی، یا به عبارت دیگر، اجرای تنبیه و مجازات قبل از محکومیت که به نظر آنان در ارباب و عبرت عمومی و فردی مؤثر خواهد بود نیز قائل بودند. اما این طرز فکر در مورد توقیف احتیاطی مورد انتقاد و بحث قرار گرفت؛ چرا که در این صورت، این تأمین به عنوان یک اقدام مجازاتی، ماهیت اصلی خود را از دست می دهد و اعمال مجازات قبل از صدور حکم محکومیت قطعی با اصل برائت یا فرضیه بیگناهی متهم و اصول پیشرفته دادرسی مغایرت خواهد داشت. به این لحاظ امروزه کوشش می شود تا اعمال زیاد بازداشت موقت و همچنین طول مدت آن را تقلیل دهند و تدابیر و تأسیساتی را که کمتر سلب آزادی کند جایگزین آن نمایند. پروفیسور ژاک لثوته استاد سابق دانشکده حقوق پاریس، می نویسد: «قضات تحقیق در عمل دست از اعمال زیاد این نوع تأمین برنمی داشتند، تعداد زندانیان در بازداشت موقت و در انتظار پایان تحقیقات و فرارسیدن محاکمه غالباً حدود ثلث یا گاهی نیمی از کل زندانیان را تشکیل می داد، چنانکه در اول ژانویه ۱۹۷۰ از کل ۲۹۰۲۶ زندانی در زندانهای فرانسه ۱۰۸۹۹ تن آنان را متهمان تحت قرار بازداشت تشکیل می دادند، در حالی که سال ۱۹۵۴ نیمی از کل زندانیان منتظر محاکمه بودند.»^۳

قانون ژوئیه ۱۹۷۰ فرانسه مقررات کنترل قضایی^۴ را به منظور

3. Jacques Leaute: Criminologie et science penitentiaire, presses universitaires de France, 19, p. 686.

4. le contrôle judiciaire

تقویت و تضمین حقوق فردی تصویب نمود. از تاریخ تصویب این قانون عنوان توقیف احتیاطی^۵ - که ماده ۱۲۹ قانون آیین دادرسی کیفری ایران نیز از آن اقتباس شده است - به بازداشت موقت^۶ تعویض و اصلاح گردید و به عکس قانون قدیم آن کشور که آزادی متهم را موقت می دانست بعد از این، بازداشت متهم موقت قلمداد شد.

قانون ۱۹۷۰ فرانسه با تأسیس کنترل قضایی، به قضات کیفری امکان استفاده بیشتر از قواعد این سیستم را به جای صدور قرار بازداشت داد و خصوصاً در ماده ۱۳۷ قانون جدید تأکید می نماید که بازداشت موقت صادر نمی شود مگر به دلیل ضرورت تحقیقات یا به عنوان یک اقدام تأمینی. به موجب این قانون در جرایم کم اهمیت دیگر از متهم سلب آزادی نمی شود بلکه آزادی او در صورت لزوم با گرفتن تعهدات یا تضمینهای مالی، مثل وثیقه، تحت قواعد و ضوابط مستقیم مقررات کنترل قضایی محدود می گردد. قانون ۱۹۷۰ موجب شد که از اعمال بازداشت موقت به خاطر مشکلات و مخاطراتی که در منافع حقوق فردی و حقوق عمومی به وجود می آورد به طور منطقی و عادلانه جلوگیری به عمل آید. به موجب این قانون موارد صدور قرار بازداشت موقت تقلیل عمده ای پیدا نمود، زیرا در جرایم کم اهمیت قضات حتی بازداشت متهم را ندارند. ماده ۱۴۴ قانون مذکور مصرح است به اینکه «در جرایمی که مجازات آن برابر و یا بیش از دو سال باشد قرار بازداشت صادر می شود». به این لحاظ بسیاری از جرایم که معمولاً از درجه جنحه و یا خلافی است، از قرار گرفتن تحت تأمین بازداشت موقت خارج می گردد. حسب قانون ۱۹۷۰ استفاده از تعهدات و تضمینها در صدور قرار تأمین کیفری بر بازداشت متهم اولویت دارد و قضات اصولاً نباید متوسل به این نوع تأمین شوند، مگر اینکه الزامات و تعهدات متناسب با جرم و منطبق

5. la detention preventive

6. la detention provisoire

با مقررات کنترل قضایی به نظر قاضی کافی نباشد، مضافاً به اینکه اولاً بازداشت موقت تنها وسیله ضروری برای حفظ دلایل و قرائن و یا تبانی متهم با شهود باشد، ثانیاً این تأمین برای حفظ نظم که به علت ارتکاب جرم دچار اختلال گشته است یا پیشگیری از ارتکاب مجدد جرم و نیز دسترسی به متهم ضروری تشخیص داده شود، ثالثاً در مواردی که متهم عامداً و قاصداً از تعهدات ناشی از اعمال کنترل قضایی شانه خالی نماید. در این قانون تصریح شده است به اینکه در امور جنحه‌ای اگر باز پرس قرار بازداشت صادر کند، باید علت بازداشت و لزوم آن را مستنداً در قرار صادره منعکس سازد تا مرجع رسیدگی به اعتراض به قرار بازداشت بتواند اتخاذ تصمیم نماید؛ ولی در امور جنایی دستور بازداشت متهم محتاج به استدلال نیست و صرف جنایی بودن امر متضمن اختیار مطلق قاضی در صدور قرار بازداشت است.^۷



مقامی که صلاحیت صدور قرار بازداشت را دارد

مقام صلاحیت دار در صدور قرار بازداشت متهم برحسب کشورها متفاوت است. در کشورهای پیرو سیستم کامن لو قرار بازداشت متهم توسط قاضی دادگاه صادر می‌شود، زیرا این کشورها تشکیلات دادرسی ندارند و متهم بدو توسط پلیس دستگیر می‌شود و تحت نظر او قرار می‌گیرد؛ سپس دادگاه بر اثر اعلام جرم از طرف مأموران و ملاحظه

۷. برای مطالعه قانون «کنترل قضایی» رک. به: Encyclopedie Dalloz و نیز به «کنترل قضایی»، ترجمه و تنظیم آقای دکتر حسین نیکزاد، مجله حقوقی وزارت دادگستری، سال بیستم، مهرماه ۵۷، شماره ۳۰.

پرونده کیفری، توقیف متهم را بررسی می‌کند و در صورت مقتضی، بازداشت متهم را تأیید و یا با اخذ الزامات و تعهدات دیگر او را آزاد می‌نماید. برعکس، در کشورهایی که رسیدگی به امر کیفری در ابتدا مرحله دادسرا را طی می‌کند و تحقیقات مقدماتی به بازپرس سپرده می‌شود - مثل فرانسه و بلژیک و ایتالیا و مصر و سایر کشورهای که از سیستم فرانسوی اقتباس کرده‌اند - بازداشت متهم از وظایف بازپرس است و تنها در جرایم مشهود، دادستان و دادیار حق صدور قرار بازداشت را دارند. مثلاً در فرانسه وقتی جرم ارتكابی مجازات حبس دارد، دادستان می‌تواند پس از صدور دستور نگهداری متهم در زندان و تحقیق از وی، بلافاصله او را به دادگاه جنحه معرفی و تقاضای مجازات نماید؛ در حالی که صدور قرار بازداشت در جرایم غیرمشهود و جنایی از وظایف بازپرس است. بازپرس در امور جنایی محدودیتی از لحاظ صدور قرار بازداشت ندارد، ولی در امور جنحه‌ای باید شرایط قانونی و طبیعت مجازات - برحسب اینکه جرم از جرایم عادی است یا مطبوعاتی - و نیز میزان مجازات جرم در قانون را در نظر بگیرد و سپس مبادرت به صدور قرار بازداشت نماید. در فرانسه دادگاه‌ها، اعم از جنحه و جنایی، اختیار بازداشت متهم یا تشدید تأمین سابق به بازداشت و یا تمدید بازداشت موقت را برطبق ضوابط و شرایط قانونی دارا هستند.

بدیهی است هدف از صدور قرار بازداشت در مرحله دادگاهی پیشگیری از بعضی وقایع احتمالی و امنیتی و سهولت دسترسی به متهم برای انجام محاکمه است، ولی استثنائاً هیأت تشخیص اتهام در فرانسه که مرجع تکمیل تحقیقات قبل از محاکمه جنایی است، می‌تواند به منظور انجام تحقیقات بیشتر، در صورت لزوم، دستور بازداشت متهم را صادر کند. در برخی از کشورها مثل تایوان اصولاً دادسرا صلاحیت صدور قرار بازداشت متهم را دارد و در رژیم‌های سوسیالیستی، به استثنای جمهوری دموکراتیک آلمان، فقط دادگاه می‌تواند متهم را با قرار

بازداشت زندانی نماید.

در کشور ما بازداشت متهم در بند ۵ ماده ۱۲۹ قانون آیین دادرسی کیفری با اقتباس از ماده ۱۳۷ قانون سابق فرانسه تحت عنوان «توقیف احتیاطی» پیش‌بینی شده است. توقیف احتیاطی متهم در تحقیقات مقدماتی، قبل از اصلاحیه سال ۱۳۵۲ منحصرأ از اختیارات باز پرس بود، زیرا در صدر ماده ۱۲۹ که مقرر می‌دارد باز پرس می‌تواند یکی از تأمینهای ذیل را بگیرد، بند ۵ آن مربوط به توقیف احتیاطی می‌شود؛ اما در سال ۱۳۵۲ با اصلاح ماده ۴۰ قانون آیین دادرسی کیفری اختیار تحقیقات مقدماتی در امور جنحه‌ای به ضابطان دادگستری تحت نظر دادستان یا دادیارانش واگذار شد و اخذ تأمین و تمامی اقدامات لازم در کشف و تعقیب جرم در این مورد را به دادستان و دادیاران تفویض نمود. تبصره ذیل ماده ۴۰ مقرر می‌دارد: «کلیه وظایف و اختیارات باز پرس در امور جنحه به دادستان واگذار می‌شود». با این مصوبه، قانونگذار ایران برای جلوگیری از تراکم پرونده‌های کم‌اهمیت و غیرجنایی نزد باز پرسها و نیز سرعت در رسیدگی، از سیستم دادرسی کیفری انحراف حاصل کرد و به دادیاران که قائم مقام مدعی العموم هستند به عنوان دادیار تحقیق، وظیفه باز پرس در امور جنحه‌ای را تفویض نمود و با این اقدام از قاضی مرحله تحقیقات سلب اختیار کرد و همان اختیارات به مدعی قضیه داده شد.^۸

در قانون آیین دادرسی کیفری ایران دو نوع قرار بازداشت پیش‌بینی شده است: اجباری و اختیاری. قرار بازداشت متهم اصولاً در سیستم حقوقی ایران اختیاری است، لیکن به طور استثناء در مواردی که قانون پیش‌بینی کرده است اجباری خواهد بود.

۸. رک. به دکتر خاور: «باز پرس یا قاضی تحقیق» تبصره یک الحاقی به ماده ۴۰ قانون آیین دادرسی کیفری اصلاحی سال ۱۳۵۲، مجله کانون وکلا، سال ۱۳۵۷، شماره ۱۴۲.

الف. قرار بازداشت اجباری

در پاره ای موارد قانونگذار رأساً با سنجش و تشخیص مواردی از قبیل اهمیت و وخامت جرم ارتكابی یا سوابق بزهكار، نوع تأمین كیفری علیه بزهكار را منحصرأ بازداشت موقت تعیین و پیش بینی نموده است و قضات تحقیق حق اخذ تأمین دیگری را ندارند، چنانکه به موجب تبصره الحاقی ذیل ماده ۱۳۰ مکرر قانون آیین دادرسی کیفری مصوب ۱۳۵۳ مقرر می دارد:

«در باره کسانی که به اتهام سرقت و یا کلاهبرداری و یا جعل و یا استفاده از سند مجهول مورد تعقیب قرار می گیرند، هرگاه دلایل و قرائن موجود دلالت بر توجه اتهام به آنان نماید و یک فقره سابقه محکومیت قطعی و یا دو فقره و یا بیشتر سابقه محکومیت غیر قطعی به علت ارتکاب هر یک از جرایم مذکور داشته باشند، قرار بازداشت صادر خواهد شد.»

همچنین طبق بند «ب» ماده واحده قانون لغو مجازات شلاق مصوب ۱۳۴۴ و تبصره ۳ از بند «ج» ماده ۱۸ قانون مقررات امور پزشکی و دارویی و مواد خوردنی و آشامیدنی و نیز ماده ۱۷ لایحه قانونی راجع به اصلاح قانون منع کشت خشخاش و استعمال تریاک مصوب ۱۳۳۸ قضات تحقیق را، به شرط وجود دلایل و قرائن بر توجه اتهام، مکلف به صدور قرار بازداشت نموده و طول بازداشت به طور مختلف در هر مورد به صراحت تعیین شده است.

ب. قرار بازداشت اختیاری

ماده ۱۳۰ مکرر قانون آیین دادرسی کیفری چنین مقرر می دارد:
«در موارد ذیل توقیف متهم جایز است: ۱) در جنایات مطلقاً.

۲) در امور جنحه وقتی که متهم ولگرد بوده و کفیل و یا وثیقه ندهد.
۳) در هر موردی که آزاد بودن متهم ممکن است موجب امحای آثار
و دلایل جرم شده و یا باعث مواضعه و تبانی با شهود و مطلعین واقعه
گردیده یا سبب شود که شهود از ادای شهادت امتناع کنند.»

منظور از جواز مصرح در ماده ۱۳۰ مکرر، اختیار قضات کیفری
در صدور قرار بازداشت است و به این لحاظ در موارد سه گانه فوق الذکر
حتی در جنایات، اعم از عمدی و غیر عمدی، اجباری به صدور قرار
بازداشت ندارند. مع هذا در صورت تصمیم به صدور قرار بازداشت در امور
غیرجنایی، علت آن باید در قرار صادره انشاء گردد تا در صورت اعتراض
متهم یا حسب مورد اختلاف بین دادستان و بازپرس (ماده ۱۶۷ قانون
آیین دادرسی کیفری) دادگاه رسیدگی کننده با توجه به ضوابط مقرر در
قانون و علتی که براساس آن متهم بازداشت شده است، نسبت به تأیید یا
فسخ قرار بازداشت اقدام نماید.

در قانون آیین دادرسی کیفری ایران دادگاه‌های جنحه سابق
صلاحیت اخذ هر نوع تأمین کیفری از جمله صدور قرار بازداشت موقت
متهم و یا تشدید سایر قرارهای تأمین دادستان و بازپرسان را داشتند.
این تصمیم، قابل اعتراض در دادگاه‌های سابق پژوهشی یا دادگاه‌های
استان بود. دادگاه‌های جنایی نیز می‌توانستند در صورت لزوم برای انجام
محاكمه قرار بازداشت متهم را صادر نمایند، ولی این قرار غیر قابل
اعتراض و قطعی بود. قانون تشکیل دادگاه‌های کیفری ۱ و ۲ و شعب
دیوان عالی کشور مصوب خرداد ۱۳۶۸ نیز به دادگاه‌های کیفری این
اختیار را داده است (تبصره ذیل ماده ۲۷).



مدت قرار بازداشت موقت

یکی از مسائل مهم مربوط به بازداشت موقت که خصوصاً مورد توجه حقوقدانان قرار گرفته مدت آن است. تغییر عنوان «توقیف احتیاطی» به «بازداشت موقت» حسب قانون ژوئیه ۱۹۷۰ فرانسه نیز تأکیدی بر موقتی و محدود بودن این تأمین است. معهذا وقتی مدت بازداشت در قانون پیش‌بینی نشده باشد، متهمی که با قرار بازداشت موقت زندانی شده است در عمل، به علت تراکم زیاد پرونده‌ها یا به علت ضرورت تکمیل تحقیقات، به مدت طولانی در زندان باقی می‌ماند و آثار زیان‌بخش و غیرقابل جبران آن خصوصاً وقتی آشکار می‌شود که به علت نبودن دلایل کافی، سرانجام به قرار منع توقیف یا برائت او منتهی گردد و یا اینکه به فرض صدور قرار مجرمیت، دادگاه متهم را به مجازاتی کمتر از مدت حبس در بازداشت موقت محکوم کند.

به این لحاظ، قانونگذاران حسب روشهای گوناگون، توقیف احتیاطی را مقید به مدت نموده‌اند و کوشش بر این است که حتی الامکان این مدت کوتاه شود. قانون فرانسه فقط در مورد متهمان به جرایم جنحه‌ای مدت بازداشت موقت را چهار ماه پیش‌بینی نموده است که این مدت می‌تواند چندین بار توسط باز پرس تمدید شود و در صورتی که متهم فاقد سابقه کیفری باشد و مجازات جرم ارتكابی مهم نباشد، مدت بازداشت موقت متجاوز از شش ماه نخواهد بود. طبق مقررات قانون ۱۹۷۰ فرانسه، باز پرس وقتی از کار تحقیقات مقدماتی فراغت حاصل کرد همزمان با قرار نهایی او بازداشت موقت پایان می‌پذیرد، مگر اینکه باز پرس ضمن صدور قرار مستدل و موجه و منطبق با مقررات، ادامه

بازداشت را تا حضور متهم در دادگاه برای مدت حداکثر چهارماه، آن هم به منظور جلوگیری از فرار متهم و یا مخاطرات دیگر و نه به عنوان ضرورت تحقیقات، تمدید و صادر نماید.

قانون فرانسه با تصویب قانون یادشده فوق، دست بازپرسان را در استفاده از تدابیر محدودکننده آزادی مثل عدم خروج از حوزه قضایی و یا تعهدات و الزامات مالی و غیره کاملاً باز گذارده است، ولی در امور جنایی محدودیتی از لحاظ مدت در مورد بازداشت موقت پیش بینی نکرده است و محتاج به تمدید در زمانهای مختلف نیست. در سوئیس، طبق قانون کانتون ژنو مدت زندان موقت هشت روز است و تمدید آن از صلاحیت بازپرس خارج و در اختیار مرجعی به نام هیأت تشخیص اتهام^۹ می باشد که پس از استماع مدافعات متهم در این خصوص ممکن است قرار بازداشت بازپرس را حداکثر تا سه ماه تمدید نماید. در بلژیک هم مرجعی به نام هیأت مشاوران دادگاه^{۱۰} حق تمدید بازداشت موقت را دارند. مدت بازداشت موقت در مصر در مورد جرایم جنحه ای سه ماه و در مورد جرایم جنایی شش ماه است، در حالی که طبق مقررات اتحاد جماهیر شوروی این مدت نه ماه می باشد.

در ایران طولانی بودن مدت توقیف احتیاطی، خصوصاً در جریان تحقیقات مقدماتی و مشکلات ناشی از آن، محرک قانونگذار در پیش بینی یک مدت نسبتاً کافی و ضروری و در عین حال قابل تمدید شد. به موجب تبصره ۲ الحاقی به ماده ۱۲۹ قانون آیین دادرسی کیفری مصوب ۱۳۵۲/۱۱/۲ قاعده ای کلی در مورد مدت توقیف متهم، خواه به علت صدور قرار بازداشت و خواه سایر الزامات و تأمینهای مالی به دلیل عدم توانایی به ارائه آن تأمینها مثلاً عجز از معرفی کفیل یا وثیقه یا وجه الضمان نقدی، وضع گردید؛ زیرا در بین بعضی از متهمان در زندان

9. la chambre d'accusation

10. la chambre du conseil

ممکن است تعداد زیادی زندانی وجود داشته باشند که به علت نداشتن کفیل یا وثیقه به زندان معرفی شوند و در طول تحقیقات و رسیدگی کیفری همچنان در زندان بمانند. این نوع زندان که شباهت به بازداشت موقت دارد، اصولاً از شمول قواعد مربوط به بازداشت موقت خارج است، ولی از لحاظ ضوابط مربوط به طول مدت و حق اعتراض تابع مقررات ماده ۱۲۹ و تبصره آن می باشد.^{۱۱} بنابراین مدت قرار بازداشت بعد از این حسب جنحه و جنایی دو ماه و چهار ماه و قابل تمدید تعیین شد و مرجع صادرکننده قرار تأمین، رأس این مدت‌ها مکلف به تجدیدنظر و سپس اتخاذ تصمیم نسبت به فک یا تخفیف قرار سابق الصدور است و تمدید و ابقای آن را باید با ذکر علل و جهات موجهه و قانونی استدلال نماید. تمدید یا ابقای قرار بازداشت متهم قابل اعتراض از طرف او در دادگاه جنحه پیش بینی شده بود. معهداً با تصویب قانون اصلاح بعضی از مواد قانون آیین دادرسی کیفری مصوب ۱۳۶۱ و تغییر جرایم و مجازات‌ها از خلاف و جنحه و جنایی به حدود و قصاص و دیات و تعزیرات، این تبصره نمی تواند قابل اعمال و اجرا باشد و در نتیجه در حال حاضر مدت توقیف احتیاطی، محدودیت قانونی ندارد و از این لحاظ ممکن است موجب تضییع حقوق دفاعی متهم شود.

۱۱. در مورد شمول قرار بازداشت به مقررات تبصره ۲ الحاقی به ماده ۱۲۹ قانون آیین دادرسی کیفری رجوع کنید به مقاله آقای امیر سپهوند در مجله کانون وکلا، شماره ۱۳۱، سال ۱۳۵۴.



حق اعتراض متهم به قرار بازداشت

حق اعتراض متهم به قرار بازداشت از جمله حقوق دفاعی اوست که در غالب سیستمهای کیفری پذیرفته شده است. به اعتراض متهم معمولاً در مرجع قضایی بالاتر، خصوصاً در دادگاه و در وقت فوری و فوق العاده، رسیدگی می شود و متهم نیز تا تصمیم آن مرجع در زندان می ماند. در قانون کیفری مصر مرجع صلاحیت دار به اعتراض متهم به قرار بازداشت صادره از دادسرا، دادستان کل است که از لحاظ سلسله مراتب، مقام مافوق دادسراهاست. در حالی که در غالب کشورها مرجع قضایی خاص یا دادگاهها حق رسیدگی به اعتراض را دارا هستند. مثلاً در فرانسه و سوئیس هیأت تشخیص اتهام، صلاحیت رسیدگی به اعتراض متهم را دارند. حقوق کیفری ایتالیا طبق قانون مصوب ۱۹۸۲ مرجع قضایی خاصی به نام «دادگاه ویژه آزادی» پیش بینی نموده است که متهم حق دارد ظرف پنج روز از تاریخ صدور قرار بازداشت به آن مرجع شکایت نماید. در ایران متهم ظرف ده روز از تاریخ صدور قرار بازداشت حق اعتراض دارد و مقام صادرکننده قرار مکلف به ابلاغ این تصمیم به متهم و تفهیم حق اعتراض به اوست. رسیدگی به شکایت متهم از قرار بازداشت یا تمدید آن و یا موارد اختلاف بین دادستان و باز پرس در مورد بازداشت متهم در صلاحیت دادگاه کیفری ۲ می باشد و حق اعتراض متهم همچنین در مواردی که بازداشت به علت جلوگیری از تبانی شرکاء و معاونان جرم و یا از بین بردن دلایل و غیره بوده که اینک رفع شده، محفوظ است و تبصره ۲ ماده ۱۲۹ قانون آیین دادرسی کیفری

مصوب ۱۳۵۲ ناسخ حقوق متهم در ماده ۳۸ قانون آیین دادرسی کیفری
نیست. ۱۲.



سیستم زندان متهمان تحت قرار بازداشت

بازداشت موقت نه تنها از لحاظ مقررات آیین دادرسی کیفری تابع قواعد ویژه‌ای است که رعایت آن الزامی است بلکه سیستم زندان متهمان تحت قرار بازداشت موقت نیز متحول شده و به این ترتیب در قواعد مربوط به علم اداره زندان بخش خاصی به آن اختصاص دارد. قانونگذار کشور ما به این تحول مهم بی توجه نبوده است و از آنجایی که در امور کیفری، در مرحله اتهام، متهم زندانی، مجرم یا محکوم شناخته نمی شود، در نتیجه نگهداری این دسته از زندانیان در جایگاه محکومان به مجازات خالی از اشکال نیست. آییننامه امور زندانها و اقدامات تأمینی و تربیتی کشور جمهوری اسلامی ایران مصوب ۱۳۶۱ در ماده ۱۵ با قبول رژیم زندان انفرادی برای متهمان، معهدا به علت کمبود وسایل خصوصاً اطاقهای انفرادی، با قید اینکه «در بازداشتگاه در صورت امکان متهم شبها در اطاق انفرادی نگهداری می شود و روزها به طور گروهی با سایر متهمان از برنامه های آموزشی، حرفه ای، تفریحی و ورزشی استفاده می نماید مگر اینکه به لحاظ عدم شایستگی اخلاقی و نوع و اهمیت جرم ارتكابی اجتماع او با سایر متهمان مصلحت نباشد، که در این صورت طبق تصمیم شورای طبقه بندی اقدام خواهد شد»، اجازه عدول از رژیم

۱۲. رک. به دکتر محمد آشوری: «نقدی بر نظر کمیسیونهای مشورتی اداره حقوقی وزارت دادگستری، ماده ۳۸ ق. آ. د. ک.»، نشریه مؤسسه حقوق تطبیقی، شماره ۶، سال ۵۸.

انفرادی را به مسؤولان زندان داده است.

در سیستمهای فعلی، نظر به اهداف مختلف از زندان، متهمان را تحت رژیم خاص زندان انفرادی شب و روز^{۱۳} قرار می دهند، در حالی که در مورد محکومان اصولاً سیستم زندان مشترک^{۱۴} اعمال می گردد. منظور از انفرادی بودن رژیم زندان متهمان، تحمیل فشار روحی و روانی به متهم یا تضعیف سلامت جسمانی و یا محرومیت او از اجتماع با دیگران نیست، بلکه هدف جلوگیری از هرگونه نفوذ و تأثیر بد اخلاقی پاره ای از محکومان به مجازات حبس در خصوصیات اخلاقی متهم است. متهمان قبل از اثبات مجرمیت و صدور حکم محکومیت قطعی، به عکس محکومان به مجازات حبس، در زندانها تحت برنامه های اصلاحی و تربیتی قرار نمی گیرند، اما مثل سایر زندانیان حق مکاتبه و ملاقات با افراد خانواده و دیگران را تحت آییننامه های زندان دارند مگر در مواردی که به دستور مقامات قضایی، متهم ممنوع الملاقات باشد (ماده ۱۹۵ آییننامه امور زندانها و اقدامات تأمینی و تربیتی). در مورد منع ملاقات متهم بازداشت شده، با وجود ضرورت آن در موارد خاص، معیناً موضوع از دو جهت حائز اهمیت و توجه است: اولاً: منع ملاقات زندانی، خصوصاً با بستگان درجه اول، تأثیر بسیار عمیقی در تضعیف روحیه زندانی دارد، که به این لحاظ این تصمیم باید منحصرأ با دستور مقامات قضایی و در شرایط بسیار ضروری مثل جلوگیری از تبانی متهم با شرکاء و معاونان جرم و محو آثار جرم صورت گیرد، و ثانیاً به لحاظ آثار زیانبار آن حتی الامکان مدت منع ملاقات متهم، خصوصاً با بستگانش، باید محدود و کوتاه مدت باشد. مدت منع ملاقات زندانی در حال بازداشت موقت در فرانسه ده روز و فقط برای یک بار قابل تمدید است، ولی قانون آیین دادرسی کیفری ایران و آییننامه های مصوبه مربوط به

13. regime cellulaire

14. regime en commun

زندانشان محدودیتی از لحاظ مدت منع ملاقات و مکاتبه تعیین نکرده است.

برای اجتناب از مضار سیستم زندان انفرادی و رفع معایب آن، مقررات زندانشان این دسته از زندانیان را تحت برنامه‌های ویژه‌ای که بتوانند از امکانات و تسهیلات بیشتر رفاهی و تفریحی و حتی ورزشی وفق نظم و امنیت زندان برخوردار باشند، قرار می‌دهد. معهدا طولانی شدن قرار بازداشت موقت امکان دارد به تدریج جسم و روان فرد را در معرض هر نوع بیماری قرار دهد. این معایب سیستم زندان انفرادی بود که سبب شد کیفرشناسان در مورد محکومان به مجازاتهای حبس مدت دار سیستم زندان مشترک را پیشنهاد کنند که امروزه به آن عمل می‌شود؛ معهدا به دلایلی که بیان شد این روش در مورد متهمان قابل اعمال نیست. تنها استثناء بر انفرادی بودن شب و روز متهمان در زندان، اجرای مقررات کار در زندانشان است. هر چند متهمان در مدت بازداشت موقت مجبور به کار که از جمله برنامه‌های اصلاحی و تربیتی است نمی‌شوند، اما در صورتی که برای تحصیل درآمد مختصر جهت تأمین مخارج شخصی و خانواده تقاضای کار داشته باشند، اداره زندان آنان را، حسب تخصص، در کارگاه‌های عمومی به کار خواهد گمارد.

رتال جامع علوم انسانی



ضمانت اجرای تخلف از ضوابط بازداشت موقت و مسأله جبران خسارات ناشی از آن

قانون آیین دادرسی کیفری در ماده ۱۳۰ چنین مقرر می‌دارد:
«تأمین باید با اهمیت جرم و شدت مجازات و دلایل و اسباب اتهام و احتمال فرار متهم و امحای اثرات جرم و همچنین سابقه متهم و

چگونگی مزاج و سن و حیثیت او متناسب باشد.»

و تبصره ذیل آن می‌گوید:

«هرگاه بازپرس تأمین نامتناسب اخذ نماید، مستوجب تعقیب انتظامی و محکومیت از درجه چهار به بالا خواهد بود.»

حکم ماده و تبصره ذیل آن به لحاظ اطلاق کلمه «تأمین» شامل کلیه تأمین کیفری پیش‌بینی شده در ماده ۱۲۹ قانون آیین دادرسی کیفری از جمله بند ۵ آن (توقیف احتیاطی) نیز می‌شود. بنابراین علاوه بر اینکه قرار بازداشت صادره، در صورت اعتراض متهم یا اختلاف دادستان و بازپرس، تحت کنترل و رسیدگی دادگاه کیفری قرار می‌گیرد و در صورت تخلف از ضوابط مقرر در ماده ۱۳۰ و شرایط ماده ۱۳۰ مکرر قرار صادره نقض می‌گردد، اگر تخلف عمدی نباشد مستوجب محکومیت‌های انتظامی قاضی متخلف به میزان مقرر در تبصره ذیل ماده ۱۳۰ است.^{۱۵}

در مسأله جبران خسارات ناشی از قرار بازداشت موقت با توجه به تحولات وسیع و گسترده‌ای که در این زمینه در قوانین بین‌المللی به وجود آمده است، موضوع از دو نقطه نظر متمایز و قابل ملاحظه می‌باشد: اول جبران خسارات ناشی از قرار بازداشتی که به علت عدم رعایت ضوابط قانونی و نتیجتاً تخلف قاضی می‌تواند مطرح شود؛ دوم قرار بازداشتی که با رعایت کلیه ضوابط و شرایط قانونی صادره شده است، اما تعقیب

۱۵. ماده ۵۳ قانون مجازات در تعزیرات در مورد بازداشت عمدی غیرقانونی مقرر می‌دارد: «هرگاه دادستانها یا دادیارها یا بازپرسها یا قضات محاکم یا دیگر مأمورین ذیصلاح در غیر مواردی که قانون مقرر داشته امر به توقیف کسی بدهند یا در غیر موارد معینه قانونی تعقیب جزایی یا قرار مجرمیت او را بدهند، به انفصال دائم از شغل و محرومیت از مشاغل دولتی به مدت پنج سال محکوم خواهند شد.»

کیفری در نهایت به منع تعقیب یا حکم برائت متهم منتهی می‌گردد.
الف. حق متهم به جبران خسارات از نوع اول دیرزمانی است شناخته شده و در غالب قوانین فعلی صریحاً پیش‌بینی گردیده است؛ چنانکه گزارشگر نهمین کنگره بین‌المللی حقوق تطبیقی در این زمینه می‌گوید:

«تقریباً در تمام کشورها راه‌حل مناسبی در نظر گرفته شده و در عمل با هیچ‌گونه مشکل اصولی، وقتی که پای خطای مأمور دولت و یا قاضی در میان باشد، درخصوص جبران خسارت زیان‌دیده مواجه نیستیم.»^{۱۶}

در قانون ایران درخصوص جبران خسارات ناشی از قرار بازداشت قضات تحقیق (دادستانها، دادیاران، بازپرسها) مقررات خاصی پیش‌بینی نشده است. هرچند به موجب اصل یکصد و هفتاد و یکم قانون اساسی که مقرر می‌دارد: «هرگاه در اثر تقصیر یا اشتباه قاضی در موضوع یا در حکم یا در تطبیق حکم بر مورد خاص، ضرر مادی یا معنوی متوجه کسی گردد، در صورت تقصیر، مقصر طبق موازین اسلامی ضامن است و در غیر این صورت، خسارت به وسیله دولت جبران می‌شود و در هر حال از متهم اعاده حیثیت می‌گردد»، جبران خسارات مادی و معنوی متهم پذیرفته شده است، ولی این اصل شامل خسارات ناشی از تصمیمات قضات دادسرا نمی‌شود؛ زیرا با توجه به عبارت «هرگاه در اثر تقصیر یا اشتباه قاضی در موضوع یا در حکم یا در تطبیق حکم بر مورد خاص...»، چنین مستفاد می‌شود که قضات مورد نظر در این اصل همان قضات محاکم هستند که صلاحیت رسیدگی ماهوی و انطباق عمل با

۱۶. «حق متهم بیگناه به جبران خسارت ناشی از بازداشت موقت» (گزارش کلی مربوط به نهمین کنگره بین‌المللی حقوق تطبیقی)، ترجمه دکتر محمد آشوری، نشره مؤسسه حقوق تطبیقی دانشگاه تهران، شماره سوم، سال ۵۶، ص ۷.

قوانین کیفری و صدور حکم را دارند. بنابراین به نظر می‌رسد در مواردی که صدور قرار بازداشت متهم بدون رعایت ضوابط و شرایط قانونی توسط قضات دادسرا صادر شده ولی سوءنیت و عمدی هم در کار نباشد، متهم حتی به جبران خسارات ناشی از این قبیل تصمیمات نداشته باشد.

ب. در صورتی که قاضی در صدور قرار بازداشت موقت هیچ‌گونه تخلفی عمداً یا سهواً نکرده و این تأمین با رعایت کامل مقررات صادر شده اما امر کیفری به صدور قرار منع تعقیب و یا حکم برائت قطعی منتهی شده است، جبران خسارات در این فرض مسأله‌ای است که در حقوق کیفری تازگی دارد و گسترش تدریجی آن در سیستمهای مختلف قانونگذاری معطوف به اوایل قرن نوزدهم است. در مبنای نظریه حق جبران خسارات متهم ناظر به مورد اخیر چنین گفته شده است:

«... اصل تساوی شهروندان در مقابل تکالیف عمومی ایجاب می‌کند که خسارتی که بر اثر تصمیم قدرت عمومی استثنائاً بر یکی از افراد وارد گردیده جبران شود.»^{۱۷}

این نظریه فقط در بعضی از کشورها، آن هم در شرایط قانونی بسیار محدود، پذیرفته شده است. در فرانسه به موجب قانون ۱۷ ژوئیه ۱۹۷۰، در آلمان فدرال براساس قانون ۸ مارس ۱۹۷۱، در بلژیک به موجب قانون ۱۳ مارس ۱۹۷۳ و در لوکزامبورگ وفق قانون ۳۰ دسامبر ۱۹۸۱ در مواقع منع تعقیب و تبرئه متهم، خسارت ناشی از بازداشت قبلی متهم را تحت شرایط پیش‌بینی شده در قانون در نظر گرفته‌اند؛ ولی در قوانین کشورهای پیرو سیستم کامن‌لو و کشورهای سوسیالیستی و ممالک عربی و افریقایی جبران خسارت متهم در این زمینه مورد پذیرش و تصویب واقع نشده است.^{۱۸} در فرانسه آنگاه متهم حق ادعای خسارات

۱۷. همان مأخذ، ص ۹.

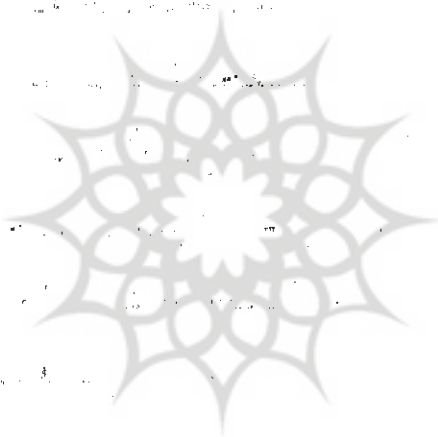
18. Revue internationale de droit penal (1) et (2) trimestres 1985 edition Eres.

ناشی از این قبیل بازداشتها را که در عین حال قانونی است دارد که اولاً تعقیب کیفری به منع تعقیب و یا برائت قطعی او منتهی شده باشد؛ ثانیاً نه تنها ایجاد ضرر کرده باشد بلکه این ضرر «ظاهراً غیرعادی و از اهمیت خاصی برخوردار باشد» (ماده ۱۴۹ قانون آیین دادرسی کیفری فرانسه).

● نتیجه

بازداشت موقت، بدون تردید یکی از وسایل ضروری و مهم در رسیدگی به امر کیفری است و هیچ‌یک از سیستمهای فعلی نمی‌تواند خود را بکلی از آن بی‌نیاز بداند. معهداً مسأله‌ای که در این زمینه فکر دانشمندان حقوق کیفری را به خود مشغول ساخته است، اعمال فراوان این نوع تأمین، خصوصاً در مرحله تحقیقات مقدماتی، و نیز نامتناسب بودن آن با اهمیت بزه ارتكابی است. اصولاً در جرایم مهم و همچنین در مواردی که احتمال محو آثار جرم توسط متهم یا فرار او می‌رود و یا کیفیت جرم ارتكابی نشانه خطرناک بودن شخصیت بزه‌کار است، صدور قرار بازداشت قابل توجیه است؛ اما متأسفانه گاهی بازداشت متهم به منظور تنبیه و تنبه او، خواه در جهت منافع جامعه، وقتی که جرم باعث جریحه دار شدن احساسات و وجدان عمومی شده یا به منظور ایجاد فشار روانی برای تسکین خاطر و یا حصول رضایت زیان‌دیده، مورد استفاده واقع می‌شود؛ در حالی که این قبیل بازداشتها با اهداف و اصول نظام کیفری انطباق ندارد و به‌طور قطع از موارد نقض مسلم آزادیهای فردی و حقوق دفاعی متهم تلقی می‌شود. عامل دیگری که در استفاده بی‌رویه از این نوع تأمین و یا نامتناسب بودن آن می‌تواند مؤثر باشد، تراکم شدید پرونده‌ها در مراجع کیفری است که معلول افزایش جرایم است و در این شرایط، قاضی کیفری مجال کافی برای مذاقه در موضوع جرم و سنجش لازم در تشخیص و تعیین تأمین متناسب

را ندارد، و از آنجایی که آیین دادرسی کیفری همزمان با تحوّل قوانین ماهوی می‌باید تغییر یافته و اصلاح گردد، قرار بازداشت متهم که از قواعد مهم آن به شمار می‌رود، با ضوابط و معیارهای قدیمی قابل اعمال نیست و به‌طور قطع به رفرم و اصلاحات اساسی نیازمند است.



پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی